

تحلیل انتقادی اندیشه‌های هانری کربن دربارهٔ

تطبيق فلسفه سهروردی با فلسفه یونان

سیدعلی علم‌الهدی^۱؛ علیرضا پارسا^۲؛ مرضیه اخلاقی^۳؛ حسن سیدعرب^۴

چکیده

هانری کربن، مفسر غربی فلسفه اشراق سهروردی است. اندیشهٔ او در تفسیر این فلسفه مبتنی بر تأویل، پدیدارشناسی، نظریهٔ فراتاریخ و فلسفهٔ تطبیقی است. نوشتار حاضر نخستین نوشتاری است که به این موضوع پرداخته و هدف آن بررسی انتقادی اندیشه‌های کربن دربارهٔ تطبيق فلسفهٔ سهروردی با فلسفهٔ افلاطون، ارسطو و نوافلاطونیان است. این مقاله به نوآوریهای سهروردی پرداخته است تا بدینوسیله وجه تمایز اندیشهٔ او از آن فیلسوفان بیان گردد. در نتیجه‌گیری نیز پس از جمع‌بندی مطالب، نقدی کلی به روش‌شناسی کربن و کاستیهای آن مطرح شده است. فلسفهٔ تطبیقی - که گاه فلسفهٔ بینافرهنگی

۱۷

۱. دانشیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه پیام نور؛ alamoalhoda53@gmail.com

۲. دانشیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه پیام نور؛ alirezaparsa1214@gmail.com

۳. دانشیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه پیام نور؛ akhlaghimarziye@yahoo.com

۴. دانش‌آموخته دوره دکتری فلسفه و کلام دانشگاه پیام نور و استادیار بنیاد دایرة‌المعارف اسلامی (نویسندهٔ مسئول)؛

h.arab@rch.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۸

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۳۱



نیز نامیده میشود. رشته‌بی از مطالعات فلسفی است که در خلال آن فیلسوفان با نظر به مبانی اندیشهٔ فلاسفه از جریانهای فرهنگی، زبانی و فلسفی متفاوت، به مسائل فلسفی میپردازند و اختلاف و اشتراک آراء آنان را مطالعه میکنند. بعقیدهٔ کربن، فلسفهٔ تطبیقی راهگشای درک صحیح تفکر در تاریخ فلسفه است و او بر این مبنا فلسفهٔ اشراق را با افلاطون و ارسطو تطبیق داده است. بنظر وی این فلسفه برگرفته از دیدگاههای افلاطون است. این وجه نظر مسبوق به اصالت فلسفه در یونان نزد اوست. کربن سهروردی را افلاطون جهان اسلام دانسته است. دیدگاه کربن نوآوریهای سهروردی و تفاوت اندیشهٔ او با افلاطون و نیز انتقاد وی به ارسطو را نادیده میگیرد.

کلیدواژگان: کربن، سهروردی، فلسفه یونان، افلاطون، ارسطو، نوافلاطونیان، مسیحیت، فلسفهٔ تطبیقی.

* * *

مقدمه

بخش قابل توجهی از مطالعات کربن مربوط به تصحیح آثار و تفسیر آراء سهروردی است. او به بررسی اثرپذیری سهروردی از فلسفهٔ یونان پرداخته و معتقد است سهروردی اندیشهٔ افلاطون را بتفصیل بیان کرده است بگونه‌یی که مبحث عالم مثال برگرفته از نظریهٔ مُثُل نزد افلاطون است. بیتوجهی کربن به منطق موجب شده در تطبیق فلسفهٔ اشراق و ارسطو به بررسی انتقادهای سهروردی از وی در منطق توجه نکند. او حتی در تصحیح بعضی نوشته‌های سه‌گانه سهروردی در منطق، طبیعیات و الهیات، از انتشار بخش منطق غفلت کرده است.

بخش دیگر مطالعات کربن ناظر به تأثیر سهروردی از نوافلاطونیان است. بنظر وی اشراق و عرفان سهروردی از نوافلاطونیان سرچشمه گرفته است. این تصور موجب گردید اصول فلسفه اشراق را نیز برگرفته از آنان بدانند. مطالعات کربن در این

۱۸

